

نهضت مشروطیت

در صد و دو سال پیش با کوشش تعداد اندکی از میهن پرستان حرکتی ملی به ثمر نشست و در سیزدهم امرداد ماه ۱۲۸۵ خواست مشروطه خواهان که با دور اندیشی از حرکتی های غیر ملی و واپسگرایانه مشروعه خواهان (مذهبیون) نشأت گرفته بود به بار نشست. بالاخره سلطان قاجار «مظفرالدین شاه» در مقابل خواست و اراده ملی عده ای هر چند اندک اما روشنفکر و میهن پرست با پشتوانه مردمی تمکین کرد و به خواست آنان تن داد. این نهضت ملی از تهران به شیراز و تبریز و اصفهان نیز بسط یافت تا اینکه به علت خرافاتی بودن سلطان و اطرافیانش این فرمان در روز ۱۴ امرداد ماه ۱۲۸۵ امضا شد.

البته ریشه اصلی پا گرفتن این نهضت ملی را باید در فساد و استبداد سلاطین قاجار و تجاوز و تعدی شاهزادگان و وابستگان این خانواده که بر مال و جان و ناموس رعایا «اکثریت مردم» احاطه داشتند و همچنین زیاده خواهی و استعمار حاکمان ولایات در پناه دولت های بیگانه و اشغالگر ایران (انگلیس و روسیه) در آن عصر دانست.

عده ای روحانی به تحریک انگستان که نگران نفوذ روسو فیل ها در میان دریایان قاجار بود به بهانه اهانت به آنها در زمانی که فساد، بی عدالتی و تجاوز به مال و زندگانی مردم از سوی وابستگان به خاندان قاجار مملکت را فرا گرفته بود حرکتی آغاز شد که نهایتاً به مشروطه گرانید. به اهانتی که کارگزاران بانک روس به اجساد مردگان و قبرستان مسلمانان روا داشته بودند دامن زده شد و در پی جنگ روسیه با ژاپن قیمت قند افزایش یافت؛ و دولت قاجار دو تن از تجار سر شناس بازار را به چوب بست و این عمل باعث شد تا بازار تعطیل شود و مردم و روحانیون در مسجد گرد آیند و از این پس مساجد پایگاه قیام و نهضت گردند.

از این پس با دخالت روشنفکران کم کم مردم به شناسایی حقوق حقه خود آشنا شدند و خواسته تاسیس عدالتخانه را سر لوحه اهداف خود قرار دادند. از طرفی تحصن روحانیون در صحن حرم حضرت شاه عبدالعظیم در شهر ری و سرانجام مهاجرت به قم بسط نشستن به روند نهضت کمک کرد. در اصل روشنفکران این حرکت را بهانه کرده و ابتکار عمل را از دست مذهبیون خارج کردند. به این ترتیب که عده ای

روشنفکر در باغ سفارت بریتانیا در قلعهك تهران اجتماع کردند و اینکار آنان مظفردین شاه را به وحشت انداخت و در پی هیجان مردم و احساس خطر از سوی شاه فرمان مشروطیت به او تحمیل و ناچار به امضای آن شد.

برای تهیه این فرمان و همچنین راضی کردن شاه میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صدر اعظم بسیار کوشا بود.

متن فرمان که اصل آن به خط احمد قوام « قوام السلطنه» است بقرار زیر می باشد:

جناب اشرف صدراعظم میرزا نصرالله خان مشیرالدوله

از آنجا که حضرت یاریتعالی جل شانہ سر رشته ترقی و سعادت ممالک محروسه ایران را بکف کفایت ما سپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی و رعایای صدیق خودمان قرار داده لهذا در این موقع که اداره همایون ما بر این تعلق گرفت که برای رفاهیت و امنیت قاطبه اهالی ایران و تشیید مبانی دولت اصلاحات مقننه به مرور در دوائر دولتی و مملکتی به موقع اجرا گذارده شود چنان مصمم شدیم که مجلس شورای ملی از منتخبین شاهزادگان قاجاریه و علماء و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف بانتهاب طبقات مرقومه در دارخلافه تهران تشکیل و تنظیم شود که در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازم را به عمل آورده به هیئت وزرای دولت خواه ما در اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد اعانت و کمک لازم را بنماید و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خود را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات قاطبه اهالی مملکت به توسط شخص اول دولت به عرض برساند که به صحه همایونی موشح و به موقع اجرا گذارده شود. بدیهی است که به موجب این دستخط مبارک نظامنامه و ترتیبات این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آن را موافق تصویب و امضای منتخبین از این تاریخ معین و مهیا خواهد نمود که به صحه ملوکانه رسیده و بعون الله تعالی مجلس شورای ملی مرقوم که نگهبان عدل است افتتاح و به اصلاحات لازمه امور مملکت و اجراء قوانین شرع مقدس شروع نماید و نیز مقرر می‌داریم که سواد دستخط مبارک را اعلان و منتشر نمایند تا قاطبه اهالی از نیات حسنه ما که تماماً راجع به ترقی دولت و ملت ایران است کمااینبغی مطلع و مرفه‌الحال مشغول

دعاگوئی دوام این دولت و این مجلس بی‌زوال باشند -

در قصر صاحبقرانیه به تاریخ چهاردهم جمادی الثانیه ۱۳۲۴ هجری در سال
یازدهم سلطنت ما

چون در این فرمان بجز « شاهزادگان قاجاریه و علماء و اعیان و اشراف و ملاکین و
تجار و اصناف » ذکری از دیگر طبقات مردم نشده بود، به درخواست نمایندگان
پناهندگان سفارت، فرمان دیگری صادر شد:

جناب اشرف صدراعظم میرزا نصرالله خان مشیرالدوله

در تکمیل دستخط سابق خودمان مورخه چهاردهم جمادی الثانیه ۱۳۲۴ که امر و
فرمان صریحاً در تأسیس مجلس منتخبین ملت فرموده بودیم مجدداً برای آنکه عموم
اهالی و افراد ملت از توجهات کامله ما واقف باشند امر و مقرر می‌داریم که مجلس
مزبور را به شرح دستخط سابق سریعاً دایر نموده بعد از انتخابات اجزاء مجلس
فصول و شرایط نظام مجلس شورای اسلامی را مطابق تصویب و امضای منتخبین
به طوری که شایسته مملکت و ملت و قوانین شرع مقدس باشد مرتب بنمائید که
به شرفعرض و امضای همایونی ما موشح و مطابق نظامنامه مزبور این مقصود
مقدس صورت و انجام پذیرد

در فرمان دوم و یا متمم فرمان نخست عبارت «منتخبین ملت» آمده و نیز به جای
«مجلس شورای ملی» از «مجلس شورای اسلامی» نام برده شده است.

بعد از اعلام فرمان انتخاباتی صورت گرفت که نه مردم بلکه فراد ذی نفوذ شهر ها که
اغلب از روحانیون، تجار و وابستگان خاندان قاجار و عده ای نورچشمی انتخاب
شدند و مجلس یکم در ۱۳ مهر ماه ۱۲۸۵ خورشیدی «۱۸ شعبان ۱۳۲۴ هجری
قمری» با حضور شاه در کاخ گلستان گشایش یافت.

این مجلس که مجلس شورای ملی نام نهاده شد به تدوین قانون اساسی مبادرت کرد
و توانست تا در آخرین روزهای زندگی مظفر الدین شاه (۱۴ ذیقعد ۱۳۲۴ ه.ق.)
پنجاه و یک اصل نظام نامه مجلس از قانون اساسی به امضای شاه برساند.

پس از در گذشت شاه نمایندگان مجلس متمم قانون اساسی را تدوین و تصویب
نمودند؛ تا بالاخره در تاریخ ۲ تیر ماه ۱۲۸۷ «جمادی الثانی ۱۳۲۶ ق» محمد علی

شاه فرمان به توپ بستن مجلس را به قزاق روسی کننل لیاخوف رییس قزاقخانه روسی صادر کرد و بدین صورت مجلس اول از کار باز ماند و منحل شد و نمایندگان مشروطه خواه در باغشاه زندانی و عده ای هم به قتل رسیدند و عده ای هم به سفارتخانه های بیگانه در خاک ایران پناهنده شدند و سپس در سراسر کشور حکومت نظامی برقرار شد در پی آن محمد علی شاه مجلس فرمایشی با حضور شاهزادگان و وابستگان دربار تشکیل داد که محمد مصدق نیز یکی از این نمایندگان بود او که قصد داشت در دوره اول مجلس شواری ملی نمایندگی شود با تقلب در سن خود توسط تجار و بازرگانان اصفهان بنا بر توصیه پدر زنش امام جمعه اصفهان بدون آنکه در اصفهان زندگی کرده باشد و بدون شناخت کافی تجار اصفهانی او را انتخاب کردند که با مخالفت نماینده استان کرمان مواجه شد و پس از اینکه نمایندگان مجلس متوجه تقلب او شدند اعتبار نامه او را تصویب نکردند و از مجلس خارج شد. او دو سال بعد با حضور خودش در مجلس فرمایشی و منتخب صد در صد محمد علی شاه شرکت نمود و بدین صورت تجربه نمایندگی مجلس را بدست آورد.

نباید از خاطر برد رشادت های فرزندان ایران در زمانی که میهن به آنها نیاز داشت سراسیمه آمدند و برای نجات ایران همچون ستارخان و باقرخان به یاری مشروطه خواهان پیوستند و با دفاع و ایثار جان این درخت نو پای



آزادیخواهی را بر پا نمودند تا جایی ستارخان این سردار ملی که در پاسخ سفیر روسیه مبنی بر اینکه پرچم روسیه را سر در منزلش بزند تا از حمایت روس ها برخوردار شود می گوید من می خواهم هفتاد و دو ملت زیر بیرق ایران باشند چگونه بیرق شما را برای حفظ جانم بر بالای سرم بپذیرم «قابل توجه پان ترکیست ها».

سر انجام محمد علی شاه به سفارت روسیه پناهنده شده و نمایندگان و اطرافیان منتخب او به ناچار یا ایران را ترک کردند و یا به توطئه بر علیه نهضت مشروطیت بر خواستند.

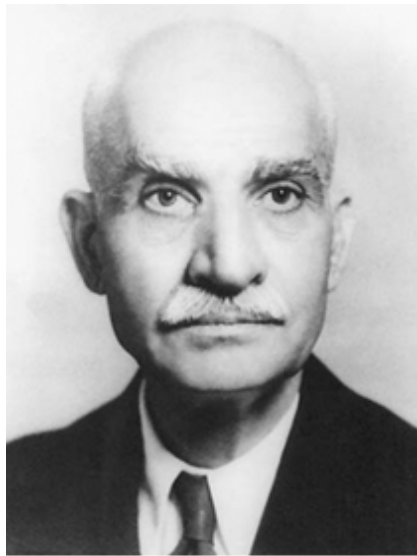
تا تشکیل مجلس دوم شورای ملی که اینبار با همت و پیروزی مشروطه خواهان برگزار شد مدت یک سال و پنج ماه گذشت و در ۲۴ آبان ماه ۱۲۸۸ افتتاح گردید و در ۳ دی ماه ۱۲۹۰ تحت فشار استعمار تعطیل گردید.

مجلس سوم پس از یک دوره سه ساله در ۱۴ آذر ماه ۱۲۹۳ شروع به کار نمود و کمتر از یکسال با آغاز جنگ جهانی دوم در ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۴ به کار خاتمه داد.

مجلس چهارم شش سال بعد در اول تیر ماه ۱۳۰۰ آغاز بکار کرد و این در حالی که رضا خان سردار سپه در صحنه سیاسی ایران ظهور کرده بود و درست در مدت تعیین شده یعنی دو سال در خرداد ماه ۱۳۰۲ به کار خاتمه داد.

از این تاریخ به بعد مجلس شواری ملی زودتر از موعد منحل نگردید بجز دوره هفدهم که توسط محمد مصدق نخست وزیر و با همان سبک و سیاق خاندانش قاجار و خصوصا محمد علی شاه مجلس را در یک جو ارباب و وحشت منحل نمود.

تقریبا با شرح مختصر آنچه طی پانزده سال نخست بر ایران گذشت روشن می شود که روشنفکران مشروطه خواه بجز داشتن مجلس آنهم در سه دوره که هیچکدامشان طول برگزاریشان به دو سال نرسید از مشروطه خواهی به هیچ جایی دست نیافتند و فقط بر روی کاغذ مشروطیت تحقق یافته بود و این را بجز نیت پلید قاجار ها نمی توان نام دیگری بر آن نهاد.



رضا شاه فرزند نخست مشروطیت و پهلای ایران نخست

از این رو روشنفکران دوره مشروطه از زمانه درس عبرت گرفتند و پی بردند که برای اجرای خواست مشروطیت ایران نیاز به شخصیت توانمند دارد؛ شخصیتی که بتواند امنیت کشور را تضمین کند و امکان به اجرا در آوردن خواست مشروطه خواهان را عملی نماید؛ بویژه که در نهضت مشروطیت زنان نیز نقش به سزایی داشتند اما همچنان آنان را ضیفه می خواندند و انسان درجه دو بحساب می

آوردند؛ وضعیت عدالتخانه همچنان در ابهام مانده بود و از خواست مشروطه خواهان فقط برقراری مجلس شورای ملی عملی شده بود که دوره اول آن با به توپ بستن مجلس و از طرفی انتصاب نمایندگان از طرف همان هایی که مورد اعتراض آزادیخواهان و عاملی برای عقب نگهداشتن ایران بودند چاره این درد نبود و ایران انتظار فرزندی را می کشید تا بتواند نفس بکشد.

کشور در چنین شرایطی دستخوش ناامنی و آشوب و تجزیه شده بود از یک طرف میرزا کوچک جنگلی دست به شورش زده بود و با کمک از روسها گیلان را از ایران جدا کرده و اعلام حکومت جمهوری سوسیالیستی کمونیستی گیلان را نموده بود و با دو هزار نفر از قشون روسیه کمونیست دست به انتشار پول زده و تنها به گیلان هم راضی نبود که قصد داشت تا به اربابان روسی خود این خدمت را بکند و با فتح تهران روس ها فاصله خود را با آب های گرم خلیج پارس نزدیک گردانند.

ایران بین سالهای ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۰ در تب ناامنی؛ فقر؛ بیماری؛ قحطی و عقب ماندگی و تجزیه همچنان می سوخت تا اینکه فرزند بر آمده از خواست مشروطیت رضا خان میر پنج پا بر عرصه سیاست ایران گذاشت و با کمک و یاری روشنفکران عصر مشروطیت رضا خان سردار سپه و سپس صدراعظم به شاهنشاهی ایران رسید و در مدت کوتاه بیست ساله توانست بیشتر خواست و نیاز جامعه را برای یک

بازگشت از یک کشور عقب مانده تحقق بخشد و ایران را از زیر استعمار انگلیس و روسیه نجات دهد افسوس که دو ابرقدرت در سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ ایران را اشغال کردند و در راه ادامه مشروطیت و آزادیخواهی وقفه ایجاد کردند.

باید در سالروز نهضت مشروطیت یاد همه سرداران دلاور و میهن پرست ایران را که با تمام توانشان کوشیدند گرامی بداریم و به سهم خود بکوشیم تا همیشه کشورمان را از زیر یوغ استعمار نجات دهیم.

این عزم و حرکت ملی یقیناً مردمانی را می طلبد که بجز عشق به ایران در سر سودای دیگر نداشته باشند و این چنین عزمی یکپارچگی ملی و تمامیت ارضی ایران که خواست اهریمنان ایران نیست را حفظ خواهد کرد و هیچ ترسی از عده ناچیزی اجیر شده بیگانه با نام های پان ترکیست ها و پان آذری ها، کردستانی و خوزستانی های جدائی طلب. برای تجزیه ایران نخواهد بود.

به امید همبستگی ملی

کاوه ایرانی